

بسم الله الرحمن الرحيم

**مسئولیت زنان در عرصه‌ی اخلاق در انقلاب اسلامی
(با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب)**

استاد راهنما

سرکار خانم شیرین فکری نژاد

نویسندگان

مأده داوری، عاطفه بالائی، شادی شبی پور

حوزه علمیه صدیقه الکبری (سلام الله علیها) شهرستان تالش

حوزه علمیه خواهران استان گیلان

چکیده:

در این پژوهش واژه اخلاق در لغت مورد بررسی قرار گرفت و انواع مکاتب اخلاقی و مکتب اخلاقی اسلام بیان گردید و بیانات مقام معظم رهبری در باره وظایف زنان بیان شد و نقش زن در عرصه انقلاب اسلامی معین گردید و تربیت اخلاقی در خانواده به عنوان وظیفه زن مشخص شد .

کلید واژه:

مسئولیت، زنان، معنویت، اخلاق، انقلاب، اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد. نقش زنان در گام اول انقلاب تاثیر گذار بوده و حقیقتاً در گام دوم انقلاب نیز وظیفه سنگین تری بر عهده دارد، اخلاق و معنویت به عنوان یک رکن اصلی در احیای جامعه اسلامی است و هدف از این مقاله بررسی مسئولیت زنان در عرصه‌ی اخلاق در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب می باشد.

بررسی لغوی واژه اخلاق

و الخُلُقُ و الخُلُقُ: الخَلِيقَةُ أَعْنَى الطَّبِيعَةِ، و فى التنزيل: وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ^۱ و الْجَمْعُ أَخْلَاقٌ لَا يُكْسَرُ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ.^۲

ریشه اصلی لغت اخلاق خلق است و همچنین راغب اصفهانی در مفردات در مورد این واژه میگوید: «خُلُقٌ و خُلُقٌ - در اصل یکی است مثل - شرب و شرب - و - صرم و صرم (قطع کردن و بریدن) ولی کلمه - خلق - مخصوص اشکال و اجسام و صورتهائی است که با حواس درک می شود و خلق ویژه قوا و سجایائی است که با فطرت و دید دل درک می شود.

خدای تعالی گوید: وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ^۲ و إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ^۴ که خُلُقُ الْأَوَّلِينَ نیز خوانده شده، و خَلَقَ - هم فضائل و بهره هائی است که انسان با اخلاقیات کسب می کند^۵ و جناب ابن اثیر، مبارک بن محمد در کتاب لغت النهاية فی غریب الحديث و الأثر بیان می دارد، الخُلُقُ - بضم اللام و سکونها -: الدِّينَ و الطَّعْنَ و السَّجِيَّةَ، و حقیقتش آنکه تصویر الإنسان الباطنة و هی نفسه و أوصافها و معانیها المختصة بها بمنزلة الخُلُقِ لصورته الظاهرة و أوصافها و معانیها، و لهما أوصاف حسنة و قبیحة، و الثَّوَابُ و الْعِقَابُ مِمَّا يَتَعَلَّقَانِ بِأَوْصَافِ الصُّورَةِ الْبَاطِنَةِ أَكْثَرَ مِمَّا يَتَعَلَّقَانِ بِأَوْصَافِ الصُّورَةِ الظَّاهِرَةِ، و لهذا تَكَرَّرَتِ الْأَحَادِيثُ فِی مَدْحِ حَسَنِ الْخُلُقِ فِی غَيْرِ مَوْضِعٍ.^۶ پس اخلاق به مجموعه ویژگی های ظاهری و باطنی فرد گفته می شود .

موضوع اخلاق به ویژه از اواخر قرن بیستم، اولویت و اهمیت خاصی پیدا کرده است، چرا که برای همه انسان ها شناختن اصول رفتار درست، جهت خوب زیستن، نقش اساسی دارد. اخلاق و گزاره های مربوط به آن، همواره مورد عنایت و توجه دانشمندان علوم دینی و نیز دغدغه ذهنی فرهیختگان یک جامعه بوده است؛ چرا که با نگاه به تعریف و تحلیل اخلاق در هر جامعه، جهت گیری آن اجتماع عیان می شود. البته روشن است که نظام اخلاقی مکاتب گوناگون نیز به تناسب گرایش های فکری و نظام فلسفی آن ها متفاوت است.

^۱ القلم: ۴

^۲ المحکم و المحيط الأعظم، ج ۴، ص: ۵۳۷

^۳ القلم: ۴

^۴ شعراء: ۱۳۷

^۵ مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص: ۶۳۶

^۶ النهاية فی غریب الحديث و الأثر، ج ۲، ص: ۷۱

انواع مکاتب اخلاقی

در میان نظامهای اخلاقی که از طریق حکمای یونان باستان، ویا فیلسوفان عصر رنسانس مطرح شده است، چهار نظام اخلاقی قابل بحث و بررسی است. و هر یک به گونه ای پرده از چهره واقع برداشته و به نوعی ماهیت اخلاق و فعل اخلاقی را بیان کرده اند.

این چهار نظام عبارتند از:

۱. اخلاق از نظر «افلاطون».

۲. اخلاق از دیدگاه «ارسطو».

۳. اخلاق از نظر «کانت».

۴. اخلاقی عاطفی «آدام اسمیت» و دیگر همفکران او.

۵. اخلاق اسلامی

مکتب اخلاقی افلاطون: جمال

اخلاق در نظر افلاطون (۴۲۷ ق.م ۳۴۶ ق.م) از شاخه های سیاست و تدبیر است. او پس از کنکاش در عدالت اجتماعی به عدالت فردی منتهی شده که تعبیر دومی از اخلاق است. ارزش در نظر افلاطون از سه چیز تجاوز نمی کند:

۱. زیبایی، ۲. عدالت، ۳. حقیقت.

و جامع میان این سه، خیر و نیکی است و سه امر یاد شده معنی باز خیر و نیکی می باشند.

افلاطون گاهی اخلاق را از مقوله «جمال» و «زیبایی» دانسته و گاهی آن را از مقوله «عدالت» می داند و ما هر دو را توضیح می دهیم:

این که می گوید اخلاق از مقوله جمال و زیبایی است مقصود او زیبایی حسی نیست که در گل و چیزهای دیگر دیده می شود، بلکه زیبایی کار و عمل انسان است که از روح زیبا سرچشمه می گیرد.

دنبال می‌کند؟ پیش از آن که به این سئوالات پاسخ دهیم ذکر این نکته لازم است که تربیت اخلاقی در جهان معاصر بسیار مهم دانسته شده تا جایی که پاره‌ای از دانشوران تعلیم و تربیت در مغرب زمین قرن بیستم را قرن تربیت اخلاقی نامیده‌اند. در جوامع دینی و مذهبی نیز تربیت اخلاقی عامل تأثیرگذار در سعادت فردی و اجتماعی دانسته شده و هر چند این عنوان مرکب در آثار دانشمندان مسلمان نیست اما مباحث بسیاری به این فرایند اختصاص داده شده است. نظیر تغییر پذیری اخلاق، تأثیر گذاری تربیت بر اخلاق، شیوه درمان بیماری‌های اخلاقی، کیفیت تخلق به اخلاق حسنه روش تغییر اخلاق و ... این عناوین در آثار فارابی، ابن سینا، ابن مسکویه، غزالی، فیض کاشانی و ... موجود است. و ما در اینجا فقط به یک عبارت از ابن مسکویه اکتفا می‌کنیم: انسان در پرتو تربیت اخلاقی از رذایل و صفات نکوهیده می‌رهد و به فضایل و خصلت‌های ستوده آراسته می‌گردد، فضایل با تکرار اعمال شایسته به تدریج در نفس رسوخ یافته، رو به افعال نیکو از فرد سر می‌زند و او از انحطاط و پستی‌رهایی یافته و رو به سوی تعالی می‌نهد. بنابر این آثار دانشوران و عالمان مسلمان در اخلاق آمیخته به تربیت اخلاقی است.

پس از میان این مقدمه کوتاه به پاسخ سئوال‌های فوق می‌پردازیم.

مقصود از تربیت اخلاقی فراگیری و عمل به آداب و رسوم اجتماعی نیست زیرا آداب و رسوم غیر از اخلاق است و بدین جهت در هر کشور و در هر منطقه‌ای از جهان آداب و رسوم اجتماعی ویژه‌ای بر اساس ملاحظات نژادی، جغرافیایی، مکانی، زمانی، اقلیمی، قبیله‌ای، گروهی، و ... ظهور و بروز پیدا می‌کند که در منطقه و مکان دیگر هیچ اعتباری ندارند در صورتی که فرایند اخلاق یافته‌ها و آموزه‌ها و مسایل ریشه دارد و بنیادین اند و با عمق جان انسان با فطرت و ساختار و جودی و با واقعیت تکوینی در ارتباط وثیق و عمیق اند.

همچنین مقصود از تربیت اخلاقی تنها به معنای به کارگیری شیوه‌ها و روش‌های تربیتی اعم از خود سازی و یا تربیت افراد نیست. زیرا در فرایند اخلاق نیز شیوه تخلق به اخلاق سخن به میان می‌آید اما آنچه درباره ماهیت و تعریف تربیت اخلاقی می‌توان گفت این است که تربیت اخلاقی یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است یکی از اقسام تربیت است و به حوزه و قلمرو خاصی از تربیت مربوط است نظیر تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت جنسی و ... از این رو تربیت اخلاقی در حیطه تربیت قرار دارد و از حوزه اخلاق خارج است.

اینک با توجه به نکته فوق می‌توان تربیت اخلاقی را این چنین تعریف کرد: برانگیختن، فراهم ساختن و بکار بستن ساز و کارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پای بندی و عینیت دادن ارزش‌های اخلاقی به منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، رسیدن به سعادت و کمال جاودانه تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، در تربیت اخلاقی تلاش می‌شود با بهره گیری از دانش تعلیم و تربیت و یافته‌های تربیت اهداف اخلاقی را عینیت بخشید.

ارکان این تعریف عبارت است از: ۱- انگیزش در جهت احساس نیاز نسبت به مسائل اخلاقی و تخلق به اخلاق حسنه. ۲- آموزش آموزه های اخلاقی و شناخت فضایل و رذایل. ۳- التزام، پای بندی و تقید به اخلاق حسنه و اعتقاد به پیراسته سازی دل و جان از اخلاق بد. ۴- توانایی در جهت عمل کردن اخلاق خوب و توانایی بر مهار خود از اخلاق بد. ۵- جهت گیری بر پایه رسیدن به سعادت و کمال جاودانه.

بنابر این دانش تعلیم و تربیت از داده ها و یافته های اخلاق بهره می گیرد و با ساز و کارهای خود نگرش و رفتار اخلاق را در افراد ایجاد می کند و در گام نخست آدمی را از خود محوری رهایی می دهد و به او رنگ خدایی می بخشد.

و اینک با توجه به تعریف تربیت اخلاقی، تفاوت این فرایند با اخلاق و تربیت نیز مشخص گردید زیرا فرایند تربیت بسیار گسترده است و تمامی قابلیت ها، توانایی ها و همه شئون وجودی انسان را در بر می گیرد اما تربیت اخلاقی یکی از حیطه های تربیت به شمار می آید. پیداست تربیت اخلاقی تربیت برای تخلق فرد به اخلاق حسنه است اما اخلاق فقط درباره صفات، ملکات و رفتار اخلاقی و خوبی و بدی آنها سخن می گوید.

هیچ کاری به اهمیت «کارِ مادر» نیست

[زن مسلمان باید] در دامن پرمهر و پرعطوفت و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسانهای بی عقده، انسانهای خوش روحیه، انسانهای سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت های جامعه را به وجود آورد. مادر از هر سازنده ای، سازنده تر و بارزتر است. بزرگترین دانشمندان، ممکن است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده الکترونیکی را به وجود آورند، موشک های قاره پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ یک از اینها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد. و او، مادر است. ۲۵/۰۹/۱۳۷۱

*** این «هنر زن» است**

علّت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت میدهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه های خود رسید، آنها را شیر داد، آنها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آنها آذوقه های فرهنگی - قصص، احکام، حکایتهای قرآنی، ماجراهای آموزنده -

فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال اینها ندارد. ۲۰/۱۲/۱۳۷۵

*** هیچ کس دیگر نمیتواند این کار را بکند**

شما اگر بچه‌ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخهای ابریشم ظریف‌تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده‌ی [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمیتواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده‌اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعین با این است. ۱۴/۱۰/۱۳۹۰

نتیجه گیری

می دانیم که مسئله اخلاق یکی از با اهمیت ترین موضوعات در جامعه می باشد. اخلاق همان طور که بیان شد تعاریف مختلفی دارد ولی آنچه مورد توجه اسلام قرار دارد این است که اسلام با محور قرار دادن خداوند متعال اخلاق را در تمام ابعاد انسانی تعریف می کند. اخلاق فردی و اجتماعی باید در تمامی افراد نمایان باشد و ارتباطی هم به جنسیت ندارد و داشتن کرامت انسانی یکی از اصول بنیادین اخلاقی است.

بنابراین زنان با داشتن اخلاق چه در خانواده و چه در اجتماع می توانند مسئولیت های خود را به درستی ایفا کنند. مسئولیت داشتن زنان در محیط خانه و خانواده هیچ سنخیتی با مسئولیت پذیر بودن آن ها در اجتماع ندارد، چه بسا زنان با حفظ عفت و حیا می توانند در جوامع حضور یابند ولی آنچه نشان از اهمیت موضوع دارد این است که زنان در محیط خانه با تربیت نسلی صالح می توانند ارزش های اخلاقی را در فرزندان خود پرورش دهند که همین فرزندان با شکل گیری پایه های درست اخلاقی و با داشتن روحیه انقلابی در آینده وارد عرصه بزرگتری به نام اجتماع خواهند شد که این خود نشان دهنده یکی از نقش های زنان در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب خواهد بود.

منابع:

قرآن کریم

ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، (محقق/ مصحح: هندای، عبدالحمید)، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۱ ه. ق

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی)، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ه. ش

ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، (محقق/ مصحح: طنابی، محمود محمد/ زاوی، طاهر احمد)، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ه. ش

www.wikifeqh.ir

www.khamenei.ir

www.hawzah.net